

تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی در آراء و عمل سیاسی حزب توده ایران: از تأسیس نظام جمهوری اسلامی تا برگزاری رفراندوم قانون اساسی (۱۲ فروردین - ۱۲ آذر ۱۳۵۸)

مظفر شاهی

دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mozaffarshahedi@gmail.com

محسن بهشتی سرشت

دانشیار تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

mbeheshtiseresht@yahoo.com

چکیده: اگرچه جریان اسلام‌گرای سراسر گسترش‌یابنده تحت رهبری امام خمینی در شکل‌گیری و پیروزی نهایی انقلاب ایران، در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷، نقش تعیین‌کننده و درجه اولی ایفا کرد؛ اما انقلاب ایران، از حضور و مشارکت، هرچند کمتر محسوس، سه جریان موسوم به ملی‌گرای لیبرال، چپ و التقاطی نیز متأثر بود. حزب توده ایران، مهم‌ترین تشکل سیاسی جریان چپ، به‌رغم حضور کم‌رنگ در تحولات دوره انقلاب، پس از پیروزی انقلاب، کوشید، در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور، موقعیت خود را تقویت و تحکیم بخشد. هدف این مقاله مطالعه سیاست‌ها و شیوه‌های مواجهه حزب توده ایران (در فاصله همه‌پرسی تعیین نوع نظام تا رفراندوم قانون اساسی)، با نظام نوپای جمهوری اسلامی و جریان‌های سیاسی رقیب، برای تقویت و تحکیم موقعیت خود در عرصه سیاسی و اجتماعی است. روش تحقیق مقاله بررسی تاریخی موضوع مورد مطالعه با بهره‌گیری از الگو یا تکنیک ردیابی فرآیند است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، حزب توده ایران، در راستای نیل به اهداف سیاسی خود، مصلحت‌اندیشانه، تلاش می‌کرد، با برجسته‌سازی و کانونی نمودن رویکرد ضدامپریالیستی و آمریکاستیزانه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، تلقی کمابیش همسانی از اهداف انقلابی خود با جریان اسلام‌گرای تحت رهبری امام به نمایش بگذارد؛ و در همان حال، نسبت به جریان ملی‌گرای لیبرال و دیگر احزاب و گروه‌های سیاسی چپ رقیب، که برخلاف آن حزب، عموماً گرایش‌های ضدشوروی داشتند (به‌مثابه جریان‌های ناهمساز گرا با اهداف انقلاب ایران)، موضعی مخالف و بلکه خصمانه اتخاذ کند.

کلیدواژه‌ها: حزب توده ایران، نظام جمهوری اسلامی، جریان اسلام‌گرا، سیاست‌ورزی حزبی، جریان ملی‌گرای لیبرال

اگرچه در روند شکل‌گیری، گسترش و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷، جریان اسلامگرایی تحت رهبری امام نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد؛ اما در آن فاصله و پس از آن، احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش متعددی، که با توجه به مبانی فکری و رویکرد سیاسی‌شان، می‌توان آنها را در درون سه جریان ملی‌گرای لیبرال، چپ و التقاطی (ترکیبی) صورت‌بندی نمود، در تحولات سیاسی و اجتماعی کشور، حضوری محسوس و بلکه مؤثر داشتند. حزب توده ایران، مهم‌ترین تشکل جریان چپ، که از هنگام آغاز فعالیت خود در پاییز ۱۳۲۰ بدان‌سو مسیر سیاسی پر فرازونشیبی را طی کرده بود؛ به‌رغم آنکه مبانی فکری و ایدئولوژیکی مارکسیست-لنینیستی آن تعارض آشکاری با پلورلیسم و سیاست‌ورزی حزبی، در چهارچوب یک نظام دموکراتیک تکثرگرای حزبی داشت؛ ولی در طول دوره انقلاب و پس از آن، کوشید، مبانی فکری و رویکرد سیاسی خود را، با کلیت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، همراه و همگام نشان دهد. با عنایت به این امر، در مقاله پیش‌رو، به‌روش بررسی تاریخی و با بهره‌گیری از تکنیک ردیابی فرآیند، تلاش می‌کنیم، با مطالعه آراء و عمل سیاسی حزب توده ایران، در فاصله برگزاری همه‌پرسی تعیین نوع نظام در فروردین ۱۳۵۸ تا برگزاری فرماندوم قانون اساسی در آذر ۱۳۵۸، به این پرسش پاسخ دهیم: حزب توده ایران، در این فاصله زمانی، در راستای تقویت موقعیت خود در عرصه سیاسی و اجتماعی، در مواجهه با کلیت نظام نوپای جمهوری اسلامی و جریان‌های سیاسی سهامدار انقلاب، چه سیاست‌هایی اتخاذ نمود؟

مدعا: حمایت حزب توده از تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی مصلحت‌اندیشانه و تاکتیکی بود. این حزب کوشید با برجسته‌سازی و کانونی نمودن رویکرد ضدامپریالیستی و امریکاستیزانه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، تلقی کمابیش همسانی از اهداف انقلابی خود با جریان اسلامگرایی تحت رهبری امام به‌نمایش بگذارد؛ و در همان حال، نسبت به جریان ملی‌گرای لیبرال و دیگر احزاب و گروه‌های سیاسی چپ رقیب، که برخلاف آن حزب، عموماً گرایش‌های ضدشوروی داشتند (به‌مثابه جریان‌های ناهمسازگرا

با اهداف انقلاب ایران)، موضعی مخالف و بلکه خصمانه اتخاذ کرد.

عبارت‌های مفهومی

ردیابی فرایند: الگو یا تکنیکی است که در آن، تحلیل‌گر تلاش می‌کند، مکانیسم‌های علی‌ای را مشخص کند که متغیر تبیین را به یک پیامد پیوند می‌دهد (طالبان ۱۳۹۱: ۲۳۱).
حزب؛ احزاب سیاسی: در تعریف حزب گفته شده است: «سازمان سیاسی که از همفکران و طرفداران یک آرمان تشکیل شده است و با داشتن تشکیلات منظم، برنامه‌های سیاسی کوتاه و درازمدت و معمولاً برای به‌دست گرفتن قدرت دولتی و یا شرکت در آن مبارزه می‌کند» (آقابخشی و افشاری‌راد ۱۳۷۵: ۲۸۳). به عبارت دیگر: «حزب گروهی سازمان‌یافته از کسانی است که دیدگاه سیاسی و موضع عقیدتی مشترک دارند و درصدد دستیابی و یا حفظ قدرت سیاسی هستند» (رابرتسون ۱۳۷۵: ۱۱۰).

موريس دوورژه^۲ احزاب سیاسی را به‌طور کلی به دو گروه لیبرال و سوسیالیستی تقسیم‌بندی می‌کند و در تفاوت اساسی این دو گروه حزبی می‌گوید: «لیبرال‌ها پیوسته از آزادی‌بنگاه‌های خصوصی و مالکیت خصوصی وسایل تولیدی که سوسیالیست‌ها در پی الغای آنند، دفاع می‌کنند» (دوورژه ۱۳۶۹: ۱۸۰).

مهم‌ترین معیار طبقه‌بندی احزاب سیاسی در جوامع مختلف بر اساس تعدد آنهاست. براین اساس، نظام‌های سیاسی به تک‌حزبی؛ نظام‌های دارای حزب غالب یا مسلط؛ نظام‌های دوحزبی؛ نظام‌های چندحزبی و نظام‌های به‌علاوه دوحزبی تقسیم می‌شوند. نظام تک‌حزبی معمولاً در حکومت‌های توتالیتر و اقتدارگرای چپ یا راست دیده می‌شود و بر تمام شئون جامعه تسلط دارد (نوذری ۱۳۸۱: ۹۴).

پلورالیسم؛ تکثرگرایی: پلورالیسم^۳ یا تکثرگرایی، در عالم سیاست به معنای اعتقاد به کثرت و استقلال گروه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است (آشوری ۱۳۴۷: ۵۹). دوورژه نظام‌های سیاسی کثرت‌گرا را معادل حکومت‌های دموکراتیک می‌داند و آنها را

1. process racing
2. Maurice Duverger
3. pluralism

در برابر حکومت‌های وحدت‌گرا یا استبدادی قرار می‌دهد. او حکومت‌های کثرت‌گرا را به نظام‌های ریاستی دوحزبی یا چندحزبی و نظام‌های پارلمانی دو یا چندحزبی تقسیم‌بندی می‌کند (دوورژه ۱۳۶۹: ۱۵۴).

لیبرالیسم: لیبرال‌ها^۱ خواستار عدم دخالت و کاهش نظارت دولت در فعالیت‌های اقتصادی بوده و از اقتصاد اجتماعی مبتنی بر بازار آزاد حمایت می‌کنند و در عرصه سیاسی طرفدار نظام پارلمانی و آزادی‌های فردی بوده و با هرگونه محدودیت‌سازی‌های سوسیالیستی و برنامه‌ریزی‌های دولتی مخالف هستند. دموکراسی لیبرال هم به حقوق طبیعی و مدنی و هم به برابری شهروندان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی و قضایی باور دارد (آقابخشی و افشاری‌راد ۱۳۷۵: ۲۱۵-۲۱۶). فردگرایی و مخالفت با هرگونه انحصار دولتی یا انقلاب توده‌ای که آزادی‌های فردی را تهدید کند، در کانون اندیشه لیبرالیسم قرار دارد (آشوری ۱۳۴۷: ۱۴۸-۱۴۹).

سوسیالیسم، مارکسیسم و کمونیسم: سوسیالیسم نظریه و سیاستی است که هدف آن مالکیت و نظارت جامعه بر وسایل تولید و اداره آن به نفع عموم است (آقابخشی و افشاری‌راد ۱۳۷۵: ۳۶۶-۳۶۸). مارکسیسم بر بنیاد فلسفی ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، قدرت‌های مادی تولید و مبارزه طبقاتی را نیروهای بنیادی فعال در تاریخ می‌داند و نقش و رسالتی تاریخی برای طبقه پرولتاریا در جایگاه سازنده جامعه بی‌طبقه کمونیستی قائل است (آقابخشی و افشاری‌راد ۱۳۷۵: ۲۲۷-۲۲۸). کمونیسم در تئوری، نظام اجتماعی و اقتصادی بدون طبقه‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن مالکیت وسایل تولید همگانی است و برابری اجتماعی و اقتصادی کاملی برای همه اعضای جامعه وجود دارد. کمونیسم نوع عالی‌تر جامعه‌ای است که پیش از آن با موفقیت و طی یک انقلاب سوسیالیستی بر نظام بورژوازی غلبه پیدا کرده است (آقابخشی و افشاری‌راد ۱۳۷۵: ۶۸).

جریان التقاطی: به احزاب و گروه‌های سیاسی‌ای اشاره دارد که مبانی فکری و رویکرد سیاسی آنها تلفیق و ترکیبی از اسلام‌گرایی و مارکسیسم؛ اسلام‌گرایی و لیبرالیسم یا سوسیالیسم و لیبرالیسم است.

1. Liberal

جریان چپ: جریان چپ اشاره به احزاب و تشکل‌های سیاسی‌ای است که از مبانی فکری و سیاسی مارکسیسم پیروی می‌کردند و به شاخه‌های گوناگون لنینیسم و مائوئیسم تعلق خاطر داشتند. چپ‌های ایرانی متأثر از جریان‌های مختلف مارکسیستی در اقصی نقاط جهان، هم در تاکتیک و هم استراتژی، شیوه‌های متعارضی را در مبارزات و مواجهه سیاسی خود علیه حکومت پهلوی و سپس نظام جمهوری اسلامی در پیش گرفتند که از برخوردهای مسالمت‌آمیز تا درگیری‌های چریکی و قهرآمیز در نوسان بود. حزب توده ایران از مهم‌ترین احزاب چپ طرفدار فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز محسوب می‌شد.

جریان اسلامگرا: اشاره به احزاب و تشکل‌هایی است که از مبانی فکری و آموزه‌های سیاسی اسلام و مذهب تشیع پیروی می‌کردند. احزاب و تشکل‌های اسلام‌گرا به‌ویژه آشکارا از مرجعیت و رهبری سیاسی امام تبعیت می‌کردند. حزب جمهوری اسلامی شاخص‌ترین تشکل سیاسی اسلام‌گرای دههٔ نخست عمر نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی: قانون اساسی نخست جمهوری اسلامی طی یک مقدمه، ۱۲ فصل و مجموعاً ۱۷۵ اصل تدوین و در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ از تصویب نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی گذشت. در ۱۱ آذر ۱۳۵۸ قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان به‌رفراندوم عمومی گذاشته شد و مورد تأیید اکثریت مردم کشور قرار گرفت. قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار گرفت و طی ۱۴ فصل و در مجموع ۱۷۷ اصل در ۶ مرداد همان سال به تصویب رسید.

نظام جمهوری اسلامی: انقلاب ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. همه‌پرسی تعیین نوع نظام که تعرفه‌های تنظیم شده آن، رأی دهندگان را به انتخاب دو گزینه: «جمهوری اسلامی، آری» با رنگ سبز و «جمهوری اسلامی، نه» با رنگ قرمز مخیر می‌کرد، در روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ برگزار شد. بیش از ۹۷٪ رأی‌دهندگان به گزینهٔ «جمهوری اسلامی، آری» رأی مثبت دادند و از روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ در ایران «نظام جمهوری اسلامی» برقرار گردید.

پیشینه، هدف، ضرورت و نقطهٔ کانونی پژوهش

تاکنون در این باره پژوهش مستقل منسجمی صورت نگرفته است. به‌ویژه بیان مسأله،

طرح پرسش و مدعایی که هدف تبیین شکاف معرفتی در موضوع پژوهش را دنبال می‌کند، با رویکرد تحقیقی جدیدی طرح شده است. هدف پژوهش پاسخ به پرسش مقاله در چهارچوب مدعای مطروحه می‌باشد. مقاله حاضر در تبیین و تحلیل بخشی از مسائل مبتلا به جامعه ایرانی در آستانه پیروزی انقلاب و پس از آن ضرورت و فایده‌ای راهبردی دنبال می‌کند. نقطه کانونی مکان پژوهش، ایران و نقطه کانونی زمان پژوهش، فاصله فروردین تا آذر ۱۳۵۸ می‌باشد.

روش و نوع پژوهش

در روند گردآوری اطلاعات از روش موسوم به کتابخانه‌ای پیروی شده است؛ در داوری از روش بررسی تاریخی تبعیت شده است که مبتنی بر ارائه گزاره‌های زمان‌مند، مکان‌مند و منحصر به فرد می‌باشد. نوع پژوهش توصیفی-تبیینی است و از تکنیک یا الگوی ردیابی فرآیند استفاده شده است.

حزب توده ایران؛ تبار تاریخی

حزب توده ایران در مهر ۱۳۲۰ اعلام موجودیت کرد و طی چند ساله آتی دامنه فعالیت‌های کمی و کیفی آن در مناطق مختلف ایران گسترش قابل توجهی یافت. اکثری از مؤسسان آن را اعضای گروه موسوم به پنجاه‌وسه نفر تشکیل می‌دادند، که به دنبال عزل رضاشاه، از زندان آزاد شده بودند. هرچند سیاست رسمی کشور نظر مساعدی نسبت به حزب توده نداشت، اما تا اواسط دهه ۱۳۲۰، که مقارن با جنگ جهانی دوم و حضور ارتش شوروی در ایران بود، فعالیت‌های سراسر گسترش‌یابنده حزب توده در ایران، با مانع جدی‌ای روبه‌رو نشد. پس از پایان جنگ جهانی دوم و خروج پرحاشیه ارتش شوروی از ایران، که با آغاز دوران موسوم به جنگ سرد در روابط دو اردوگاه کمونیسم و جهان سرمایه‌داری مقارن بود؛ ادامه فعالیت حزب شوروی‌گرای توده ایران، متأثر از بروز همان وضعیت جنگ سرد، بیش‌ازپیش، از سوی حکومت ایران با سوءظن نگریده شد. ادامه حضور و نفوذ روزافزون دو کشور انگلستان و امریکا در امور سیاسی، امنیتی و اقتصادی ایران، حزب توده را در موقعیت دشوارتری قرار می‌داد (طیرانی ۱۳۸۴ متعدد؛

مدیرشانه‌چی ۱۳۸۸: ۳۶-۴۴؛ سیاست و سازمان حزب توده ۱۳۷۰ ج ۱: ۹۷-۱۲۴).

وقتی در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، محمدرضاشاه پهلوی در دانشگاه تهران مورد سوء قصد قرار گرفت، فردای همان روز مجلس شورای ملی به استناد گزارش منوچهر اقبال وزیر وقت کشور که حزب توده را به‌دست داشتن در آن واقعه متهم کرده بود (سیاسی ۱۳۶۶ ج ۱: ۲۱۳-۲۱۵؛ سیاست و سازمان حزب توده ۱۳۷۰ ج ۱: ۱۲۴-۱۲۵؛ آرامش ۱۳۶۹: ۳۱۲-۳۱۳؛ عمومی ۱۳۷۷: ۳۵-۳۶)، فعالیت آن حزب را در سراسر کشور غیرقانونی و ممنوع اعلام کرد (شاهدی ۱۳۸۹: ۸۲-۱۰۸). به‌رغم برخوردهای پرنوسان سیاسی و انتظامی، حزب توده ایران، به‌انحاء گوناگون، به‌ویژه در پوشش ده‌ها حزب و تشکل سیاسی و شبه‌سیاسی دیگر، فعالیت‌های سیاسی غیررسمی، ولی مؤثر خود را تا پایان دوره نخست‌وزیری محمد مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ادامه داد. پس از کودتا برخوردهای سیاسی، امنیتی و انتظامی با حزب توده و البته دیگر احزاب و جریان‌های سیاسی منتقد و مخالف شدیدتر گردید. با کشف و دستگیری بیش از ۶۰۰ عضو سازمان نظامی حزب توده در درون ارتش، در سال ۱۳۳۳، برخورد با حزب توده شدت بیشتری گرفت و حضور آشکار اجتماعی آن حزب در داخل کشور به‌حد هیچ تقلیل یافت. برخلاف مرامنامه نخست، که مصلحت‌جویانه فعالیت حزب توده را به‌چهارچوب قانون اساسی مشروطه مقید می‌ساخت؛ در سال ۱۳۳۷، این حزب، رسماً، مرام سیاسی خود را مارکسیسم - لنینسم اعلام کرد. از آن هنگام تا آستانه شکل‌گیری ناآرامی‌های سیاسی منجر به سقوط رژیم پهلوی در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷، به‌استثنای برخی هسته‌های زیرزمینی و مخفی حزب توده (بهر روز ۱۳۸۰: ۱۵۳؛ مجله دنیا ۱۳۵۵: ۶-۷)، که بعضاً هم تحت کنترل و نفوذ ساواک قرار داشتند، آن حزب در داخل کشور حضوری محسوس و مؤثر نداشت (بهر روز ۱۳۸۰: ۳۳-۴۴ و ۸۰-۸۵ و ۱۳۷-۱۴۹؛ مجموعه اسناد لانه جاسوسی ۱۳۶۶ ج ۲: ۱۰۳-۱۲۶؛ شاهدی ۱۳۹۳ ج ۲: ۴۰۳-۴۱۰؛ ۱۳۸۶: ۲۷۹-۲۸۴؛ چپ در ایران ۱۳۸۰ ج ۶: متعدد). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های سیاسی قانونی حزب توده ایران تا سال ۱۳۶۲ ادامه یافت (سیاست و سازمان حزب توده ۱۳۷۰ ج ۱: ۱۱۲-۱۱۳ و ۱۱۹-۱۲۵).

همه‌پرسی تعیین نوع نظام

حزب توده ایران که بنا به مصلحت، از مدت‌ها قبل با کلیت انقلاب تحت هدایت امام اعلام همبستگی کرده بود؛ از پیشنهاد ایشان مبنی بر تشکیل حکومت جمهوری اسلامی استقبال نمود و در ۱۲ اسفند ۱۳۵۷، در اعلامیه‌ای که به تأیید کمیته مرکزی آن حزب رسیده بود، اطلاع داد که «به جمهوری اسلامی رأی مثبت می‌دهد»: «هموطنان! حزب توده ایران برنامه خود را درباره ضرورت تحول بنیادی در جهت تحکیم و استقلال ملی، دموکراسی و سالم‌سازی اقتصاد کشور، رفاه عمومی و پیشرفت اجتماعی بیان داشته و نظرش در این باره مشخص و روشن است. ما مدت‌هاست که نظر خود را درباره ضرورت ایجاد یک جمهوری متکی بر اراده خلق بیان داشته‌ایم. بدیهی است بر اساس مشی خود و سؤال مربوط به جمهوری یا سلطنت، به سود جمهوری رأی می‌دهیم. در مورد نام این جمهوری، ما به همان ترتیب که آیت‌الله خمینی مسأله را مطرح می‌کند یعنی «جمهوری اسلامی» (چنانچه در گذشته نیز تشریح کرده بودیم) رأی می‌دهیم.^۱ زیرا اولاً، اصل مطلب محتوای سیاست حکومت‌هاست مردم مبارز ایران باید بکشند تا قانون اساسی جدید بر پایه حفظ منافع اساسی جامعه ما، یعنی استقلال ملی، صلح و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی و رفاه عمومی منظم شود و دولت‌های ناشی از مجلس آینده پیگیرانه در جهت قانون اساسی جدید عمل کنند. ثانیاً، حفظ وحدت نظر و کلمه همه نیروهای ملی و دموکراتیک در شرایط کنونی یک امر حیاتی است. ما همه هموطنان عزیز را به دادن رأی مثبت به جمهوری اسلامی در همه‌پرسی آینده فرامی‌خوانیم» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۸۱؛ اطلاعات ۲۴ اسفند ۱۳۵۷: ۱).

۱. امام خمینی در ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ طی سخنانی، بی‌آنکه به‌طور مشخص نامی از حزب خاصی ببرد، حمایت برخی تشکل‌های چپ و کمونیستی از حکومت جمهوری اسلامی را ناشی از رندی و زیرکی آنها می‌داند که در غیر این صورت مشخص می‌شود رقم طرفداران آنها در میان مردم ایران تا چه حد ناچیز است: «هر چند ممکن است کمونیستها بروند در اطراف و ترویج کنند و ... و لو اینکه آنها هم به واسطه شکستی که خورده‌اند اعلام کردند که ما هم جمهوری اسلامی می‌خواهیم! خوب هم کردند؛ یعنی عقل هم کرده‌اند، تدبیر هم کرده‌اند؛ برای اینکه اگر این را نگفته بودند، آن وقت عددشان معلوم می‌شد که چند نفرند! حالا برای اینکه نفهمند مردم چند نفر هستند و خیال کنند که خوب همه ایران که به جمهوری اسلامی رأی دادند، همه اینها هم کمونیست هستند به ما رأی دادند!» (امام خمینی ۱۳۸۹ ج ۶: ۳۲۶)

از همه‌پرسی تعیین نوع نظام تا برگزاری رفراندوم قانون اساسی

برخلاف اکثر احزاب و تشکل‌های سیاسی جریان چپ، حزب توده ایران، در فاصله اعلام تأسیس نظام جمهوری اسلامی تا رفراندوم قانون اساسی در آذر ۱۳۵۸، همراهی و همگامی کمابیش نزدیکی با کلیت نظام نوپای جمهوری اسلامی نشان داد و در آن میان، به‌انحای گوناگون کوشید نظر مساعد رهبری انقلاب و جریان مسلط اسلامگرا را به‌سوی خود جلب نماید. به‌عبارت‌دیگر، حزب توده ایران، به‌ندرت نشان داد که علاقه‌مند است با به‌سطح آوردن تعارضات ایدئولوژیک و سیاسی خود با ماهیت دینی حکومت جمهوری اسلامی، به‌همراهی آشکارا مصلحت‌جویانه و تاکتیکی خود با کلیت نظام و به‌طور مشخص‌تر جریان اسلامگرا، خدشه‌ای جبران‌ناپذیر وارد سازد. در آن میان، به‌تبع گسترش روزافزون تعارضات سیاسی نظام نوپای جمهوری اسلامی، تحت رهبری امام با امریکا که نماد و محور «امپریالیسم غرب» محسوب می‌شد، حزب توده ایران، بیش‌از پیش، مواضع تاکتیکی خود را با جریان اسلامگرا همگرا ارزیابی می‌کرد (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۹۱). حزب توده در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۸، با انتقاد شدید از کلیه گروه‌های سیاسی چپ افراطی و ضدانقلاب که «در جهت تضعیف رهبری امام خمینی»، در بخش‌های مختلف کشور بحران‌آفرینی می‌کردند، هشدار داد: «نیروهای جهانی دشمن انقلاب ایران، یعنی محافل امپریالیستی غرب و به‌ویژه امپریالیست‌های امریکایی و صهیونیست‌ها، همه نیروی جهنمی خود را در جهان به‌کار انداخته‌اند تا جو نامساعد تبلیغاتی علیه انقلاب ایران به‌وجود آورند». حزب توده، در ادامه، دامنه انتقاداتش را متوجه جریان ملی‌گرای لیبرال و به‌گونه‌ای غیرمستقیم، نهضت آزادی ایران کرد که به‌زعم آن حزب، این جریان «سازشکار» از همان دوره انقلاب «می‌کوشیدند پیشرفت جنبش ده‌ها میلیونی خلق را که زیر رهبری پیگیر و قاطع و آشتی‌ناپذیر امام در جهت برانداختن نظام فاسد و پوسیده سلطنتی [و] ریشه‌کن کردن تسلط امپریالیست‌ها و در درجه اول امپریالیسم امریکا و صهیونیسم با سرعتی بی‌نظیر گسترش می‌یافت، ترمز کنند». حزب توده سهامداران انقلاب را به‌دو جریان به‌زعم خود «انقلابی» و «سازشکار و ناپیگیر» تقسیم می‌کند؛ این تقسیم‌بندی دو گانه حزب توده، کمابیش، از الگوی جهان

دوقطبی حاکم بر دو اردو گاه شرق و غرب پیروی می کند؛ که بر مبنای آن انقلابیون تمام نیروهایی را در برمی گیرند که با تمام مظاهر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان لیبرال دموکراتیک غرب سر ستیز دارند و به اصطلاح «ضدامپریالیست» هستند. حزب توده، رندانه، اکثریت قریب به اتفاق نیروهای انقلابی ضدامپریالیست را «در رهنمودهای بدون ابهام امام خمینی» متبلور می دید که «مورد پشتیبانی بدون چون و چرای همه سازمان ها و گروه های انقلابی راستین میهن ما قرار گرفته» بود. نیروهای سازشکار و ناپیگیر مورد نظر حزب توده هم، به طور مشخص، در لایه هایی از دولت موقت بازرگان و جریان موسوم به ملی گرای لیبرال قابل ردیابی بود (اسناد و اعلامیه ها ۱۳۵۹: ۹۸-۹۹)؛ که تعارض فکری و سیاسی کمابیش آشکاری با جریان چپ و دیگر احزاب و گروه های تمامیت خواه داشتند و از ایده شکل گیری یک نظام دموکراتیک تکثرگرا و مداراجو پشتیبانی می کردند. حزب توده مدعی بود: «این خط سازشکارانه، که در مقابل خط انقلابی قد علم کرده و هر روز بیشتر شکل می یابد و متبلور می شود، خطی است در جهت جلوگیری از گسترش انقلاب ضدامپریالیستی، خلقی و دموکراتیک مردم، خطی است در جهت تبدیل رژیم وابسته به رژیم نیمه وابسته به امپریالیسم، خطی است در جهت برگرداندن دستاوردهای انقلاب» (اسناد و اعلامیه ها ۱۳۵۹: ۹۴-۹۸). حزب توده با این هشدار که: «ضدانقلاب هر روز جسورتر و هارتر می شود، سازشکاران و نیمه راهان هر روز آشکارتر و فعال تر عرض اندام می کنند»، تنها راه فائق آمدن بر ضدانقلاب و جریان سازشکار ناپیگیر را «گردهمایی همه نیروهای راستین انقلابی، که صادقانه در جهت رسیدن به هدف های اصیل انقلاب مبارزه می کنند، در یک جبهه واحد» می داند تا «دسائس ضدانقلاب را نقش بر آب کرد، دشمنان را سرکوب نمود و امکان سازش را از نیروهای متزلزل گرفت». حزب توده پیشنهاد می کرد، تا وقت باقی است، با تشکیل جبهه متحد نیروهای انقلابی ضدامپریالیست، موجبات «فاش کردن و خنثی ساختن کوشش های سازشکاران» فراهم شود؛ و «تلاش متحد برای تدارک طرح قانون اساسی جدید، که بازتاب همه خواست های انقلاب ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی مردم ایران» صورت بگیرد (اسناد و اعلامیه ها ۱۳۵۹: ۱۰۰-۱۰۱).

هنگامی که مرتضی مطهری به شهادت رسید، حزب توده ایران «این جنایت» را «جزئی از توطئه‌های جنایتکارانه امپریالیسم و عمال ایرانی آنها بر ضد انقلاب ایران» ارزیابی کرد (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۰۲؛ آیندگان ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۸: ۱۱؛ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸: ۴). حزب توده ایران، در واکنش به قطعنامه سنای امریکا، که در آن مجازات اعدام ضدانقلاب در ایران مورد انتقاد قرار گرفته بود، در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، طی اعلامیه‌ای، ضمن حملات شدید به «امپریالیسم، صهیونیسم و ضدانقلاب داخلی» رویه نه‌چندان انقلابی دولت موقت در برابر امریکا را مورد نکوهش قرار داده، تصریح کرد: «مردم ما انتظار دارند که تمام نیروهای راستین انقلابی، تمام احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی ملی و دموکراتیک و مرفعی بسیج شوند و در یک جبهه متحد به‌مقابله با امپریالیسم تجاوزکار و غارتگر امریکا پردازند» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۰۶-۱۰۸). وقتی اکبر هاشمی‌رفسنجانی، عضو مؤسس حزب جمهوری اسلامی، در ۴ خرداد ۱۳۵۸، مورد سوء قصد قرار گرفت، حزب توده ایران، طی اطلاعیه‌ای، آن را جنایتی از سوی «عمال امپریالیسم و رژیم گذشته، به سرکردگی امپریالیسم امریکا» ارزیابی کرد؛ و باز «از همه نیروهای انقلابی» خواست «برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع به سرکردگی امپریالیسم امریکا متحد شوند» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۰۹). وقتی جریان اسلامگرا در آستانه فرارسیدن سالروز قیام ۱۵ خرداد فراخوان برپایی راهپیمایی سراسری داد؛ حزب توده ایران، با این ادعا که از همان فردای قیام، در سال ۱۳۴۲ بدان سو، همواره از «جنبش ۱۵ خرداد» دفاع کرده است، از «همه هواداران حزب، همه افراد مرفعی و ضدامپریالیست» دعوت کرد «با شرکت در راهپیمایی دعوت شده از جانب گروه‌های اسلامی، همبستگی خود را با پیروان مشی امام خمینی متجلی» سازند (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۱۲-۱۱۳).

حزب توده طی نامه سرگشاده‌ای که در خرداد ۱۳۵۸ منتشر کرد، با این تذکر که: «انقلاب ایران یکی از دشوارترین دوران‌های تحکیم و تثبیت پیروزی خود را می‌گذراند»، مدعی شد: «سازشکاران»، که در ادبیات سیاسی حزب توده بخش اعظم دولت بازرگان و طیف وسیعی از جریان دموکراسی‌خواه ملی‌گرای لیبرال را در برمی‌گرفت، «نبرد نیروهای انقلابی خلق را علیه ضدانقلاب فلج می‌کنند». حزب توده «دشمن اصلی انقلاب ایران» را «امپریالیسم غارتگر جهانی، به سرکردگی امپریالیسم متجاوز امریکا و همدستان

ایرانی آنها» ارزیابی کرد و از «نیروهای راست وابسته به سرمایه‌داری لیبرال ایران» انتقاد کرد، که به زعم آن حزب «معتقدند که امپریالیست‌های امریکایی و همدستان اروپایی‌شان دیگر خطری برای ایران نیستند». حزب توده مدعی بود «این موضع‌گیری خطرناک عملاً در سیاست دولت موقت بازتاب یافته است». این حزب هشدار هم داد: «جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و ارتجاع ایران» به جای «مبارزه علیه کمونیسم» را «موجب تفرقه نیروهای انقلابی» ارزیابی کرده، به مثابه «آبی» دانست که «به آسیاب دشمن اصلی انقلاب، یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع سیاه ایران ریخته می‌شود» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۱۴-۱۲۰). حزب توده ایران با این تذکر که هنوز «آزادی»‌های مورد انتظار انقلابیون «تحکیم نیافته» و «از همه سو، از سوی ضدانقلاب، از سوی افراطیون راست و افراطیون چپ مورد تهدید جدی قرار گرفته است»؛ «شرط اساسی تحکیم و تثبیت آزادی‌های دموکراتیک» را «تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی نظام جدید ملی، دموکراتیک و خلقی» دانست و از «همه نیروهای ضدامپریالیست» تقاضا کرد «هم خود را بر این بگمارند که این قانون هر چه زودتر تهیه و به بررسی همگانی گذاشته شود» و «با نظریات اصلاحی مردم تکمیل گردد و به تصویب مجلس مؤسسان برسد» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۲۷-۱۶۰).

حزب توده ایران، در ۲ تیر ۱۳۵۸، در نامه‌ای سرگشاده خطاب به مهدی بازرگان نخست‌وزیر موقت انقلاب، ضمن آنکه «خطوط کلی» پیش‌نویس قانون اساسی را «مورد تأیید قرار» داد، که به باور آن حزب «خواست‌های مشروع و حقه مردم ایران را منعکس» نموده است؛ برای اصلاح آن پیشنهاداتی را نیز، در ۷ بند، مطرح کرد. در بند اول، حزب توده پیشنهاد کرده بود، در فصل مربوط به «نظام اقتصادی»، مقرر گردد: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و برنامه‌ریزی منظم دولتی قرار دارد». در بند دوم، حزب توده پیشنهاد داده بود، فصل مربوط به سیاست خارجی، چنین تنظیم گردد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه عدم تعهد، عدم شرکت در بلوک‌بندی‌های نظامی... قرار می‌گیرد. همبستگی و پشتیبانی از حقوق ملت‌ها و خلق‌هایی که علیه استعمار، نواستعمار، امپریالیسم، صهیونیسم، فاشیسم و تبعیض نژادی برخاسته‌اند، در زمره اصول مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار

می‌رود». در بندهای سوم و چهارم هم حزب توده به‌ترتیب پیشنهاد کرده بود، این موارد گنجانده شود: «حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال می‌شود»؛ «کرسی‌های نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای به‌نسبت آرائی که به‌هر یک از سازمان‌ها و احزاب شرکت‌کننده در انتخابات داده شده است، توزیع می‌شود» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۳۶-۱۴۰). این بند اخیر، به‌ویژه از آن جهت اهمیت داشت که، حزب توده ایران، در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی، از تحزب، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی پشتیبانی می‌کرد. حزب توده ایران، در ۱۶ تیر ۱۳۵۸، از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی را «تأمین آزادی احزاب، سندیکاها، مطبوعات و اجتماعات» دانسته و «در تثبیت این دستاوردهای مهم و گسترش آن، رهبری قاطع و بصیرانه امام را دارای سهمی انکارناپذیر» ارزیابی کرد؛ و با اشاره به اینکه: «ضدانقلاب می‌کوشد با ایجاد توطئه‌های رنگارنگی از چپ و راست... تمام مساعی خویش را برای توطئه‌گری علیه تصویب هرچه سریع‌تر قانون اساسی و مثله و مسخ کردن آن در جهت ضدخلقی به‌کار» برد؛ تأکید کرد که، حزب توده ایران «بر پایه دفاع از دستاوردهای انقلاب... و برای عقیم ساختن توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب در کارزار انتخاباتی مربوط به «مجلس بررسی نهایی» شرکت می‌جوید و به‌نوبه خود از نیروهای سیاسی و اجتماعی دعوت می‌کند که در این جهت صحیح عمل کنند» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۴۴).

حزب توده، در ۲۴ تیر ۱۳۵۸، از فراخوان حزب جمهوری اسلامی، مبنی بر برگزاری راهپیمایی وحدت و «دفاع از انقلاب و رهبری» حمایت کرد؛ اما برخلاف نظر حزب جمهوری اسلامی که درخواست کرده بود «نیروهای شرکت‌کننده در این راهپیمایی هیچ‌گونه نشان و شعاری که معرف احزاب، سازمان‌ها و گروه‌ها باشد همراه نیاورند»، حزب توده معتقد بود: «اتفاقاً برای بیان اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی و ضدامپریالیست صحیح‌تر این بود که این نیروها در عین حفظ نشان و شعار خود، زیر یک شعار واحد، یعنی «دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب» در این راهپیمایی شرکت نمایند (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۴۸). حزب توده، در اول مرداد ۱۳۵۸، با اشاره به اینکه «از نظر امام خمینی درباره ضرورت تشکیل هر چه سریع‌تر مجلس خبرگان پشتیبانی» کرده و پیش‌نویس قانون اساسی «باید در جهت انقلابی، خلقی و ضدامپریالیستی بهبود

یابد، تکمیل شود و نقایص آن برطرف گردد» تصریح کرد که، در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نموده و «در نقاط معینی از کشور نامزدهای خود را معرفی» کرده (آیندگان ۴ مرداد ۱۳۵۸: ۱۲) و «از آن نامزدهایی پشتیبانی خواهد نمود که بر اساس سوابق مبارزاتشان می‌توان به این نتیجه رسید که به پیش‌نویس قانون اساسی از دیدگاه نادرست و ارتجاعی برخوردار نخواهند کرد». حزب توده از «رهبری انقلاب، از شورای انقلاب و از دولت» تقاضا می‌کرد: «موافق وعده‌ای که داده‌اند، موافق موازین آزادی و دموکراسی، از حقوق حقه سیاسی و مدنی حزب ما برای شرکت آزادانه در انتخابات، استفاده آزادانه از رادیو تلویزیون، استفاده آزادانه از مطبوعات، حرکت آزادانه در کشور و غیره دفاع کنند». در پایان هم توقع خود را از «تمام سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی موجود، از همه مطبوعات» چنین مطرح کرد: «به احترام حقوق دموکراتیکی که برای خود قائلند، به حقوق دموکراتیک حزب ما احترام بگذارند، چنانکه ما به نوبه خود با پیگیری کامل به حقوق دموکراتیک آنها احترام می‌گذاریم» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۴۹-۱۵۱).

حزب توده، در دوم مرداد ۱۳۵۸، با تقبیح بحران‌سازی‌های عناصر ضدانقلاب و گروه‌های سیاسی رادیکال، به نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست هشدار داد، مبادا، در دام تبلیغات بی‌پایه دشمن اصلی انقلاب ایران، که همانا «محافل وابسته به امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده شاه خائن» هستند، بیفتند و «درست مانند زمان شاه مخلوع، سیاست دشمنی با کمونیست‌ها و دشمنی با حزب توده ایران و دشمنی با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه دشمنی با اتحاد شوروی» را ترویج کنند؛ که به زعم آن حزب، در آن بحران‌آفرینی‌های دامنگیر نظام نوپای جمهوری اسلامی، کمترین نقشی نداشته‌اند (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۵۸). حزب توده، به ویژه، به نیروهای وفادار به انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی، هشدار می‌داد، مبادا، مواضع رادیکال، منازعه‌جویانه و قهرآمیز «گروهک‌های چپ‌نما مانند گروه‌های مائوئیستی و تروتسکیستی و نظایر آنها» را به آن حزب تسری دهند، که آن گروه‌های چپ منازعه‌جو و افراطی، برخلاف مواضع انقلابی حزب توده ایران «همگی شان به انحاء و اشکال مختلف با امپریالیسم و ضدانقلاب همکار و همگامند» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۶۰-۱۶۱).

حزب توده دولت‌بازرگان را به خاطر مخالفت با علایق اقتصادی رادیکال و شبه‌مارکسیستی خود، که متضمن دولتی‌سازی و مصادره‌های سراسر گسترش‌یابنده دارای‌های سرمایه‌داران و مالکان عمده و نظایر آن بود، مورد سرزنش قرار می‌داد و سیاست اقتصادی دولت را «در چهارچوب منافع سرمایه‌داری لیبرال ایران» صورت‌بندی می‌کرد، که به زعم آن حزب «با هدف‌های مجموعه جنبش انقلابی، که در درجه اول متکی به طبقات محروم و زحمتکش جامعه است، تفاوت‌های بنیادی» داشت. حزب توده، تنها راه غلبه بر مشکلات دامن‌گیر کشور را «به وجود آوردن جبهه متحد خلق از همه نیروهایی» می‌دانست «که بدون چون و چرا خواستار... دفاع از منافع مشترک توده‌های ده‌ها میلیونی و سرمایه‌داران کوچک و متوسط و ملی» بودند (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۶۱-۱۶۵).

وقتی با اعلام نتایج انتخابات، نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی مشخص شدند؛ حزب توده ایران، تصریح کرد «در مجموع خود در مورد این انتخابات موضع تأییدی می‌گیرد»؛ ولی مدعی بود که در جریان برگزاری انتخابات تقلباتی صورت گرفته و تزییقاتی متوجه آن حزب شده است (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۷۴-۱۷۵؛ آیندگان ۸ مرداد ۱۳۵۸: ۱۲). حزب توده، به‌ویژه، معترض بود که نیروهای وفادار به انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی، تمام احزاب و گروه‌های سیاسی چپ را به یک چوب می‌رانند و به‌ناروا، نام آن حزب را، که به جمع «نیروهای راستین انقلابی» تعلق دارد، در کنار سایر گروه‌های عمدتاً افراطی و ناسازگار چپ قرار می‌دهند؛ در حالی که، حزب توده ایران، از همان آغاز، فعالیت‌های خود را در مسیر همگامی با نظام نوپای جمهوری اسلامی سامان داده است (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۷۷-۱۷۸).

حزب توده، در ۳۰ مرداد ۱۳۵۸، ضمن اعتراض به توقیف روزنامه مردم، ارگان رسمی و مهر و موم کردن «مجموعه دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران و مرکز شرکت سهامی نشریات توده»، که به تبع و در واکنش به گسترش بحران آفرینی‌های گروه‌های سیاسی رادیکال و منازعه‌جوی عمدتاً چپ و ضدانقلاب، صورت می‌گرفت؛ بار دیگر تذکر داد که حزب توده ایران همواره از خط فکری و سیاسی نظام جمهوری اسلامی پیروی کرده است (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۸۴-۱۸۶). حزب توده ایران در اعلامیه‌ای هم که به مناسبت رحلت طالقانی صادر کرد، ضمن تمجید از سلوک سیاسی مداراجویانه ایشان، بار دیگر، این

معنا را به مخاطبان خود، در میان جریان اسلامگرا گوشزد کرد که: «ما از جانب خود با تمام قوا در این راه می‌کوشیم و یک‌بار دیگر دست اعتماد خود را به سوی تمام نیروهای صدیق انقلابی، به سوی تمام پیروان طالقانی و به سوی کسانی که به رهبری قاطع امام خمینی در نبرد بر ضد امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی و برای استقلال و آزادی و عدالت در میهن ما معتقدند، دراز می‌کنیم. بیاید روی آنچه که میان ما مشترک است، تکیه کنیم و صفوف خود را در برابر توطئه‌های امپریالیسم و برای دفاع از انقلاب ایران متحد سازیم» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۱۹۷-۱۹۹).

درواقع، حزب توده ایران، در شرایطی، به‌انحای گوناگون، شعارها و علایق ولو تاکتیکی اتحاد خود با جریان اسلامگرای مسلط بر مقدرات انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی را تکرار کرده، در برابر پاره‌ای برخوردهای غیردوستانه و گاه سخت‌گیرانه‌تر مجموعه نظام اغماض می‌کرد؛ که، کاملاً هم آگاه بود که، هم جریان اسلامگرا و رهبری انقلاب و هم کلیت دولت بازرگان، به‌طور کلی، نسبت به جریان چپ، و به‌طور اخص، به حزب توده ایران، سوءظن و بدبینی تاریخی داشته‌اند؛ و بالاخص، از دوره انقلاب بدان‌سو، در کلام رهبری انقلاب، بارها، هر گونه همراهی و همکاری انقلابیون با حزب توده و جریان چپ منتفی دانسته شده بود. همچنان که وقتی با ابتکار حزب جمهوری اسلامی، مقرر گردید، در روز ۴ آبان ۱۳۵۸ راهپیمایی اتحاد و همبستگی با امام برگزار می‌شود؛ حزب توده ایران، تصریح کرد: «پیرو مشی اصولی خود در پشتیبانی پیگیر از موضع قاطع، ضدامپریالیستی و خلقی امام همبستگی خود را با این راهپیمایی اعلام می‌دارد» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۲۱۵ و ۲۲۸). چنانکه وقتی در ۴ آبان ۱۳۵۸ گفته شد که، شورای انقلاب پیرامون مسائل و مشکلات پیش روی کشور و نظام، از آراء، پیشنهادات و دیدگاه‌های مختلف استقبال می‌کند؛ حزب توده ایران، این رویکرد شورای انقلاب را به فال نیک گرفت و اعلام کرد که: «به‌نوبه خود حاضر به شرکت در این برخورد سالم و آزاد و سازنده» است؛ و اظهار امیدواری کرد، با تحقق این ایده، رفتار «برخی محافل قانون‌شکن و راست‌گرا» که تلاش می‌کرده‌اند «احزاب و جمعیت‌ها و نیروهای مترقی و چپ و انقلابی را از صحنه خارج کنند و جبهه انقلاب و حامیان واقعی آنها را عملاً تضعیف نمایند»، اصلاح شود (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۲۲۹-).

۲۳۰). بدین ترتیب، حزب توده، در مقاطع و مناسبت‌های گوناگون، تلاش می‌کرد نشان دهد، با مسیر انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی، همراهی و همگامی دارد و خود را پیرو وفادار سلوک سیاسی امام خمینی می‌داند (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۲۳۲-۲۳۳).

در آن میان، اشغال سفارت امریکا در تهران، با استقبال شدید حزب توده ایران روبه‌رو شد، که در مسیر همراهی و همگامی مصلحت‌جویانه آن حزب با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، رخدادی بس شعف‌انگیز و تعیین‌کننده محسوب می‌شد. حزب توده، که طی ماه‌های گذشته، بارها، نارضایتی خود را از دولت موقت، به‌مثابه جریان سازشکار و ناپیگیر، اعلام کرده بود؛ در همان روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، طی اعلامیه‌ای، ضمن تمجید آن اقدام، اشغال سفارت امریکا را، در درجه اول، واکنشی درخور به‌خبر مذاکره‌بازرگان با برژینسکی ارزیابی کرد و با حمله به بازرگان، نوشت: «در همان زمان که هیأت نمایندگی دولت موقت با برژینسکی توطئه‌گر مذاکره می‌کرد - اینک معلوم شده است که این مذاکرات بدون اجازه امام صورت گرفته است - تظاهرات مردم ایران در روز عید قربان علیه توطئه‌های امپریالیسم امریکا بر ضد انقلاب ایران جریان داشت... مردم ایران با شنیدن خبر اشغال لانه جاسوسان و توطئه‌گران امریکا، درست همانند روزی که شاه خائن فرار کرد، در خیابان‌ها به‌شادی پرداختند و گل و نقل پخش کردند... حزب توده ایران که خود از مبارزان اصلی بر ضد امپریالیسم امریکاست، این آگاهی و دلیری مردم ایران، این عزم راسخ و اراده متحد بر ضد امپریالیسم و درک درست مشی امام را تحسین می‌کند و تهنیت می‌گوید... در برابر این هوشیاری و درک الهام‌بخش مردم ایران، عمل هیأت نمایندگی دولت موقت در مذاکره با برژینسکی توطئه‌گر اسف‌انگیزتر، دردناک‌تر و خطرناک‌تر جلوه می‌کند. این نشانه آن است که کسانی به‌تمایل و اراده مردم و به‌مشی امام بی‌اعتنا هستند... چنین روشی از نظر مردم ایران، همه نیروهای انقلابی ایران و حزب توده ایران محکوم است و باید بی‌درنگ قطع گردد» (اطلاعات ۱۴ آبان ۱۳۵۸: ۱۲).

حزب توده، در فردای روزی که بازرگان از مقام نخست‌وزیری کناره گرفت، در اعلامیه‌ای که خطاب به‌شورای انقلاب منتشر کرد، با صراحت و لحن شدیدتری به بازرگان حمله کرده، از پایان دولت موقت اظهار مسرت کرد (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۲۴۰-۲۴۱). حزب توده، در همان روز، که مسرور از کناره‌گیری دولت بازرگان بود،

طی پیام دیگری «به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی»، شصت و دومین سالروز پیروزی «انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر» را تبریک گفت و با نثار «پرشورترین درودها و صمیمانه‌ترین آرزوهای کمیته مرکزی حزب توده ایران، همه اعضای حزب ما و مردم زحمتکش ایران به تمام اعضای حزب پرافتخار کمونیست شوروی، به تمام خلق قهرمان شوروی» اضافه کرد: «شصت و دو سال پیش درفش پیروزمند انقلاب اکتبر به هبری حزب آفریده و پرورده «لنین بزرگ» در عرصه تاریخ جهانی به اهتزاز درآمد. انقلاب اکتبر بزرگ‌ترین انقلاب اجتماعی سراسر تاریخ و نخستین انقلاب پیروزمند کارگری جهان است که با پی‌ریزی حکومت شوراها، با پی‌ریزی نخستین دولت سوسیالیستی جهان، بزرگ‌ترین جهش و ژرف‌ترین دگرگونی را در روند تکامل بشری موجب گردید و راه جامعه بشری را به سوی تاریخ حقیقی و انسانی خویش گشود. اکتبر سرآغاز نوسازی بنیادی جهان بود. قرن بیستم در تاریخ جهانی به نام قرن اکتبر ثبت است» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۲۳۶).

زمانی که، به دنبال مطرح شدن محاصره اقتصادی ایران از سوی امریکا، اعلام شد که به تبعیت از موضع امام، مردم ایران روزه سیاسی پنج‌روزه خواهند گرفت؛ حزب توده هم، با صدور اعلامیه‌ای، از این تصمیم «ضدامپریالیستی» پشتیبانی کرد و تأکید نمود: «اعضاء و هواداران حزب توده ایران برای ابراز این همبستگی در هر جا که مسلمانان مبارز دست به روزه سیاسی زده‌اند»، با آنها همراهی می‌کنند؛ حزب توده اضافه هم کرد: «در نبرد ضدامپریالیستی همه نوع محرومیت، از جمله جیره‌بندی مواد ضرور غذایی و حتی گرسنگی محتمل است... و چنانکه گفتیم اعضا و هواداران حزب توده ایران نیز همواره در صف نخستین نبرد خواهند بود» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۲۴۴-۲۴۵).

۱. این گونه تعریف و تمجیدهای نورالدین کیانوری دبیر کل حزب توده ایران از حزب کمونیست و نظام کمونیستی شوروی و انقلاب اکتبر، آشکارا، نشان می‌دهد که حزب توده، برخلاف آنچه ادعا می‌کرد، حمایتش از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران سراسر تاکتیکی و مصلحت‌جویانه بود و به تبع آن تحزب، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی (که اساساً در نظام‌های سیاسی دموکراتیک مداراجوی چند حزبی در دنیای آزاد معنا پیدا می‌کند) در نظام فکری و سیاسی آنجایی نداشت. به عبارت دقیق‌تر، حکومت ایده‌آل حزب توده ایران تشکیل حکومتی کمونیستی، با محوریت نظام تک‌حزبی توده ایران، در ایران بود.

پس از پایان کار مجلس خبرگان، که گفته می‌شد نواقص احتمالی قانون اساسی تصویب شده، در متمم پیش‌بینی شده، رفع خواهد شد؛ حزب توده ایران، در ۳ آذر ۱۳۵۸، در نامه‌ای سرگشاده، به بررسی و ارزیابی نقاط قوت و ضعف قانون اساسی پرداخته، اظهار امیدواری کرد، ایرادات وارده، در متمم قانون اساسی برطرف گردد. حزب توده برخی اصول قانون اساسی را که به مسائلی مانند: «حق کار و حق آموزش رایگان و حق مسکن و دیگر حقوق رفاهی» و «اقتصاد و امور مالی» می‌پرداخت، تأیید می‌کرد و، به‌ویژه، خرسند بود که «عمده پیشنهادهایی» را که قبلاً «در ۷ ماده» ارائه نموده بود «خوشبختانه محتوای چند ماده از آنها و به‌خصوص محتوای ماده یکم مربوط به مسئله مهم نظام اقتصادی کشور در قانون اساسی جدید انعکاس یافته است» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۲۶۱-۲۶۴).

حزب توده ایران، در ۶ آذر ۱۳۵۸ هم، با انتشار اعلامیه‌ای، تصریح کرد که، به‌رغم تمام انتقادات و نواقص وارده به متن قانون اساسی،^۱ «حزب توده ایران از همه هواداران

۱. بخشی از استدلال‌های حزب توده ایران در ضرورت رأی مثبت مردم کشور به قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان چنین بود: «ما همواره گفته‌ایم که قانون اساسی باید بازتاب اهداف ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ ما باشد و دستاوردهای خلق‌های ایران را در همه این زمینه‌ها تثبیت و تسجیل کند و راه را برای پیشبرد و تعمیق این دستاوردها، یعنی ارتقاء انقلاب به مراحل بالاتری باز کند. یک چنین قانون اساسی خود سلاح بُرایی علیه ضدانقلاب-امپریالیسم و پایگاه‌های داخلی آن- می‌توانست و می‌بایست باشد. طرح قانون اساسی که اینک به‌رأی مردم گذاشته می‌شود در همه جوانب خود پاسخگوی این انتظار نیست... چرا حزب توده ایران شما مردم را علی‌رغم آنکه ما قانون اساسی تدوین شده را انعکاس تمام خواست‌هایمان نمی‌دانیم، به‌دادن رأی مثبت فرا می‌خواند! زیرا اولاً، در یک ارزیابی کلی علی‌رغم نکات منفی یاد شده، در مورد بخش قابل توجهی از اصول عمده قانون اساسی توانسته است به‌طور مثبت مسائل مطروحه را حل کند... ثانیاً، ما شما را به دادن رأی مثبت فرامی‌خوانیم، زیرا مسئله عمده را حفظ و تحکیم جبهه یگانه همه نیروهای خلقی در نبرد علیه امپریالیسم به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا و عمالش و بقایای رژیم سابق می‌دانیم و معتقدیم که باید اتحاد و هماهنگی بین همه نیروها، به‌ویژه نیروهای راستین چپ و نیروهای راستین مذهبی که همه طرفداران خط امام، یعنی جهت‌گیری قاطع و بی‌تزلزل ضدامپریالیستی و خلقی هستند، حفظ و تحکیم شود... ثالثاً، ما با تمام اهمیتی که برای قانون اساسی، به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوقی و قضایی کشور و راهگشای پیشرفت‌های آینده قانلیم، فراموش نمی‌کنیم که در حال این زندگی واقعی و تجربه مردم و مبارزه نیروهای انقلابی است که

خود و همه مردم ایران دعوت می کند که در فراندوم شرکت کنند و به این سند - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - رأی مثبت دهند» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۲۷۰). کمیته مرکزی حزب توده ایران، در ۱۰ آذر ۱۳۵۸ هم، در اطلاعیه‌ای با عنوان: «ما در همه‌پرسی قانون اساسی می‌گوییم: آری!»، اعلام کرد: «حزب توده ایران از همه اعضا و هواداران خود و همه مردم ایران دعوت می‌کند که به‌خاطر تحکیم اتحاد همه نیروهای خلقی در نبرد علیه امپریالیسم به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا و به‌خاطر پشتیبانی از رهبری ضدامپریالیستی و خلقی امام هرچه وسیع‌تر در فراندوم قانون اساسی شرکت کنند و به این سند رأی مثبت دهند. ما امیدواریم و انتظار داریم مسئولان امور با تدوین متمم قانون اساسی - که امام نیز در پیام خود تصریح کرده‌اند - نقایص موجود در متن قانون اساسی را برطرف سازند و آن را درخور انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران بنمایند» (اطلاعات ۱۰ آذر ۱۳۵۸: ۱۲).

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق، در چهارچوب پرسش مقاله و مدعای مطرحه، ما را به نتایج زیر رهنمون می‌سازد: حزب توده ایران، در فاصله برگزاری فراندوم تعیین نوع نظام در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ تا همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۱ آذر ۱۳۵۸، مصلحت‌جویانه و با درک واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی ایران، به‌انحاء گوناگون، کوشید، مجموعه فعالیت‌ها و مواضع سیاسی خود را با کلیت نظام نوپای جمهوری اسلامی همراه و همگام سازد. حزب توده با کانونی کردن هدف ضدامپریالیستی و غرب‌ستیزانه انقلاب ایران، از یک‌سو، تلاش می‌کرد، تعارض سیاسی و ایدئولوژیکی حکومت کمونیستی اتحاد

نقش تعیین‌کننده را دارد و هر سندی به‌هر نحو تدوین و تهیه شود، بدون حمایت مردم و بدون انطباق با نیاز زمان قدرت اجرایی نخواهد داشت... هموطنان! بیش از هر وقت هشجاری و تشخیص درست لازم است. لحظات سرنوشت‌ساز تاریخی هم شور انقلابی و آینده‌نگری الهام‌بخش را می‌طلبد و هم آگاهی و درایت انقلابی و واقع‌بینی راهگشا را. در خور این لحظات تاریخی باشیم. از هر دو جانب خود را شایسته انقلاب بزرگ ایران و وثیقه‌تدوام و تکامل آن نشان دهیم. اصولیت کامل و نرمش لازم را حفظ کنیم. شرکت در فراندوم و رأی مثبت به قانون اساسی نشانی از این شایستگی است» (اسناد و اعلامیه‌ها ۱۳۵۹: ۲۷۰-۲۷۲).

شوروی با انقلاب ایران را، به حد هیچ تقلیل دهد؛ و از سوی دیگر، تلقی کمابیش همسانی از اهداف انقلابی خود با جریان اسلام‌گرای تحت رهبری امام به‌نمایش بگذارد. این حزب، نسبت به اکثر احزاب و تشکل‌های سیاسی چپ رقیب، نظر مساعدی نداشت و این معنا را، بارها، مستقیم و غیرمستقیم، با مخاطبان خود در میان می‌نهاد. همچنانکه با دولت بازرگان، احزاب و تشکل‌های سیاسی جریان موسوم به ملی‌گرای لیبرال، و البته نهضت آزادی ایران هم، تعارض فکری و سیاسی آشکاری داشته، حضور آنان در حاکمیت پساانقلابی ایران را، مانعی جدی بر سر تحقق اهداف، به‌زعم خود دموکراتیک - خلقی و ضدامپریالیستی انقلاب ارزیابی می‌کرد. حزب توده، بالاخص، کوشید، به‌رغم تبری جستن‌های جریان اسلام‌گرا، خود را مهم‌ترین متحد آن جریان و نیز پیرو بی‌چون‌وچرای رهبری انقلاب بشناساند. حزب توده، با تمام انتقاداتی که به‌پاره‌ای از اصول قانون اساسی داشت؛ ولی امیدوار بود، تحزب و سیاست‌ورزی حزبی به‌رسمیت شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی، تا آن حد، بسط داشته باشد که، حضور و فعالیت کمابیش آزادانه آن را در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور تضمین نماید.

منابع

- آرامش، احمد. (۱۳۶۹) *خاطرات سیاسی احمد آرامش*، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران: نشر نی.
- آشوری، داریوش. (۱۳۴۷) *فرهنگ سیاسی*، تهران: نشر مروارید.
- آقابخش، علی و مینو افشاری راد. (۱۳۷۵) *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- *اسناد و اعلامیه‌های حزب توده ایران: از شهریور ۱۳۵۷ تا پایان اسفند ۱۳۵۸*. (۱۳۵۹) تهران: حزب توده ایران.
- بهروز، مازیار. (۱۳۸۰) *شورشیان آرمانخواه: ناکامی چپ در ایران*، ترجمه مهدی پرتوی، تهران: انتشارات ققنوس.
- *چپ در ایران: سازمان نظامی حزب توده به‌روایت اسناد ساواک*. (۱۳۸۰) تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- خمینی (امام)، سیدروح‌الله. (۱۳۸۹) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۵.

- دوورژه، موریس. (۱۳۶۹) *اصول علم سیاست*، مترجم ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رابرتسون، دیوید. (۱۳۷۵) *فرهنگ سیاسی معاصر*، مترجم عزیز کیاوند، تهران: البرز.
- *روزنامه اطلاعات*. (پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۵۷)، شماره ۱۵۸۰۹.
- _____ . (دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۵۸)، شماره ۱۵۹۹۴.
- _____ . (شنبه ۱۰ آذر ۱۳۵۸) شماره ۱۶۰۱۵.
- *روزنامه آیندگان*. (شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۸) سال ۱۲، شماره ۳۳۴۸.
- _____ . (یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸) شماره ۳۳۴۹.
- _____ . (دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۵۸) سال ۱۲، شماره ۳۴۱۳.
- _____ . (پنجشنبه ۴ مرداد ۱۳۵۸) سال ۲، شماره ۱۳۹۹.
- *سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی*. (۱۳۷۰) تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- سیاسی، علی‌اکبر. (۱۳۶۶) *گزارش یک زندگی: خاطرات دکتر علی‌اکبر سیاسی*، لندن: بی‌نا.
- شاهدی، مظفر. (۱۳۸۶) *ساواک: سازمان اطلاعات و امنیت کشور*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- _____ . (۱۳۸۹) *افول مشروطیت: زندگینامه سیاسی دکتر منوچهر اقبال*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- _____ . (۱۳۹۳) *مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۱) *جستارهای روشی در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- طیرانی، بهروز. (۱۳۸۴) *اسناد احزاب سیاسی ایران (حزب توده)*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
- عمویی، محمدعلی. (۱۳۷۷) *درد زمانه: خاطرات محمدعلی عمویی (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، تهران: آرزان.
- *مجله دنیا*. (آبان ۱۳۵۵) سال ۳، شماره ۸.
- *مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا*. (۱۳۶۶) تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی
- مدیرشانه‌چی، محسن. (۱۳۸۸) *فراز و فرود حزب توده ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ ۱.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۱) *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی*، تهران: نشر گستره.